



جامعه روحانیت مبارز تشکل پرآوازه روحانیت شیعه به عنوان یکی از احزاب باسابقه و خوشنام ایران که سابقه فعالیت آن به پیش از انقلاب بازمی‌گردد، در گذشته خود شاهد حضور بزرگانی مانند شهید مطهری، شهید بهشتی، مرحوم شاه‌آبادی، شهید مفتاح و بسیاری دیگر از روحانیون بنام بوده است که همگی از انقلابیون مورد وثوق و اعتماد توده مردم بوده‌اند. اینجانب

## تلاشی ناکام برای احیای جامعه روحانیت مبارز

هیچگاه ارتباط مستمر با جامعه روحانیت مبارز نداشته‌ام، اما در سال ۵۷ دو نوبت به دعوت آقای شاه‌آبادی در جلسات جامعه شرکت کردم و تا سال‌های زیادی عملکرد آن را مطلوب توصیف می‌کنم و تحت نظر داشته‌ام.

متأسفانه به‌رغم سابقه درخشان و پرخورداری از حسن نام در سال‌های پیش از پیروزی انقلاب و مدتی هم پس از موفقیت نهضت اسلامی مردم ایران به رهبری امام خمینی(ره)، طی سال‌های اخیر سیاست‌ها و عملکرد جامعه روحانیت مبارز دچار مشکلات عدیده‌ای شد که منجر به عدم حضور افراد موثری چون مرحوم هاشمی و برخی دیگر از اعضای قدیمی جامعه در جلسات آن شد. بنابراین در نتیجه این تغییرات، جامعه

روحانیت مبارز و همچنین مجمع مدرسین حوزه علمیه قم به عنوان دیگر تشکل روحانیت که در سال‌های اخیر رویکرد اصولگرایی را در عرصه سیاسی ایران برگزیده است، دیگر تاثیر خاصی در سطح کشور نداشت‌ه‌اند داشته باشند. نمد باز افول قدرت جامعین در عرصه سیاسی و اجتماعی ایران طی چند انتخابات گذشته قابل ملاحظه است. در تمامی انتخابات اخیر جامعین نتوانستند نقشی ایفا کنند و حتی در جبهه اصولگرایی هم ناچار جای خود را به دیگر گروه‌ها و ائتلاف‌هایی که از سابقه چندانی برخوردار نیستند؛ دادند.

به هر روی امروز که جامعه روحانیت مبارز موفقیت بسیار ضعیفی دارد، طبعاً اعضای فعال آن

مانند جناب آقای مصباحی مقدم تمایل دارند که تشکل مطبوع خود را تقویت و احیا کنند. بر همین اساس بنده دعوت از ریاست‌جمهوری محترم جناب آقای دکتر روحانی برای شرکت در جلسات جامعه را در همین راستا ارزیابی می‌کنم. طبیعتاً آقای روحانی گرایشی به سمت این تشکل پیدا نکرده‌اند و با توجه به توصیفی که از جایگاه جامعه روحانیت مبارز در عرصه سیاسی کشور انجام شد، پاسخ مثبت آقای روحانی به دعوت این تشکل به نظر اینجانب به حساب احترامی است که ایشان برای جامعه روحانیت قائل هستند. اگر مسئله مطرح شده در رسانه‌ها مبنی بر درخواست آقای روحانی نسبت به تشکیل جلسات جامعه روحانیت مبارز در پاستور و محل دفتر ریاست‌جمهوری نیز صحت داشته باشد، آن را هم باید در همین راستا ارزیابی کرد.

در واقع مشکل اساسی جامعه روحانیت مبارز

سیاست‌های این تشکل است. سیاست‌هایی که در این سال‌ها بر این تشکل حاکم بود، سیاست‌های بسته و محدودکننده‌ای است و هرگز با حضور افرادی مانند آقای روحانی تغییریری در آن رخ نخواهد داد. حتی با فرض این احتمال که در صورت حضور مستمر آقای روحانی دیگر افراد معتبری چون آقای ناطق‌نوری هم در این جلسات حاضر شوند، باز هم به عقیده بنده تا زمانی که جامعه روحانیت به صورت آگاهانه نخواهد در سیاست‌های سال‌های اخیر خود تغییر ایجاد کند و به سیاست‌های مقبول جامعه و مورد خواست مردم رو نیاورد، وضعیت جامعه روحانیت مبارز تغییر نخواهد کرد. به‌طور خلاصه به‌رغم تلاش آقای مصباحی مقدم و برخی دیگر از اعضای جامعه روحانیت مبارز در جهت احیای اقتدار گذشته این تشکل، اما بنده از احیای جامعه روحانیت مبارز مأیوس هستم.

# جای خالی «اتاق فکر» اصلاح‌طلبان

در آستانه بررسی صلاحیت دو وزیر پیشنهادی نیرو و علوم در مجلس، موضع‌گیری‌های متناقض اعضای فراکسیون امید در رأی اعتماد یا عدم اعتماد به آنها یک بار دیگر جریان اصلاحات را با این سؤال اساسی مواجه می‌کند که آیا جای یک اتاق فکر برای اصلاح‌طلبان خالی است؟ آیا نباید در بزنگاه‌ها و تصمیم‌گیری‌های تأثیرگذار، فراکسیون امید مجلس که خروجی

- اعظم و بیسمه •

چندی پیش، سعید حجاریان، تنورسین جریان اصلاحات، عنوان کرده بود «پنکه زئول‌های دو جناح اصلاح‌طلب و اصولگرا به‌دلیل رُ صلاحیت و رأی نیابردن در مجلس دهم غایب هستند و شمار زیادی از منتخان، تجربه جدی ندارند، کار تشکیلاتی فراکسیونی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد، راهکار جبران این مسئله، تشکیل «پارلمان در سایه» از سوی دو جناح است. هم اصلاح‌طلبان و هم اصولگرایان باید برنامه‌های‌شان را در «پارلمان سایه» چکش کاری و به فراکسیون خود منتقل کنند. در غیراین‌صورت، مجلس ضعیف می‌شود و ضعف مجلس منجر به تضعیف دولت هم می‌شود.» حجاریان همچنین در مقاله‌ای با طرح این سؤال که آیا جمعی از احزاب اصلاح‌طلب در کنار هم می‌توانند تشکیل دولت سسایه بدهند یا خیر، عنوان کرده است: «گر بنا باشد در انتخابات آتی همچنان ائتلاف آنها پایدار بماند، شاید لازم باشد از امروز برای این قبیل امور، کار جمعی انجام بدهند». برای توضیح این مطلب هم حجاریان گر بزی به اصل هم‌پوشانی جان رالز زده است که تشکیل دولت در سایه را از سوی ائتلاف اصلاح‌طلبان و نه احزاب، در شرایط فعلی توجیه می‌کند.

طرح این ایده از سوی حجاریان همان ابتدا واکنش‌های مخالف و موافقی را در جریان اصلاحات به‌دنبال داشت. ابتدا برخی از راه‌یافتگان لیست امید به مجلس بودند که تشکیل «پارلمان سایه» را کم‌تجربه نشان دادن راه‌یافتگان به مجلس دانستند که استقلال آنها را سلب خواهد کرد.

این انتقادی بود که رسانه‌های اصولگرا نیز به مصداق آن از حب علی، بلکه از بغض معاویه بر طبل آن کوبیدند و در نقش دایه مهربان تر از مادر ایده «پارلمان در سایه» را «کالیفریز کردن قدرت» و تقویت «جریان انحصارگرا در اصلاحات» تحلیل کرد. در همین رابطه، سنایت مشرق نوشت: «تنوری‌های حجاریان در این سال‌ها مبنای گروهی نیز داشته و اغلب این تنوری پردازی‌ها برای تقویت جریان انحصارگرا در اصلاحات مطرح شده‌است. انحصارگرایان که شامل جریان مشارکت و نسل‌اولی‌های این جریان هستند، پیش از این نسبت به برآمدن جریان نواصول‌طلب و نسل دومی‌ها واکنش منفی نشان داده بودند.»

مشخص است که نقش ارزنده اتاق‌های فکر در تعاملات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و تأثیر مثبت آن در توسعه و ارتقای جایگاه جریانات سیاسی و احزاب می‌تواند برای رقیب‌انگاران کهنه باشد به‌ویژه آنکه این خردمندان فکری در مراکزی همچون مجلس و شوراهای شهر که ارتباط مستقیمی با قشرهای جامعه دارند، مورد استفاده قرار گیرد. از این رو، انتقادات به ایده «پارلمان سایه» در نزد جریانات تندرو، اصولگرا بالا گرفت.

در میان اصلاح‌طلبان، بحث بر سر نحوه شکل‌گیری این «پارلمان سایه» بود. به‌اعتقاد علی صوفی، رئیس ستاد تهران ائتلاف اصلاح‌طلبان در انتخابات دهم کاندیداهای لیست امید را تشویق و تصمیم‌گیری‌های عالی سیاستگذاری اصلاح‌طلبان هستند که در قالب ائتلاف اصلاح‌طلبان راهی مجلس شدند. بنابراین انتظار می‌رود که ارتباط خود را با این نهاد پیش‌بینی کرده و این سازمان به دلیل اینکه مردم به اصلاح‌طلبان اعتماد کرده‌اند، متعهد است مطالبات آنها را پاسخگو باشد. وی می‌افزاید: اما به نظر می‌رسد که ممکن است عبارت «پارلمان سایه» موجب تحقیر و تنزیل جایگاه مجلس و نمایندگان منتخب شود. اما در اصل التزام

نمایندگان منتخب اصلاح‌طلب به حرکت در چارچوب خواسته‌های اصلاح‌طلبانه و استفاده از خرد جمعی نهادهی اصلاح‌طلبان تردیدی نیست. در بین چهره‌های سیاسی نیز مسئله «اتاق فکر» مورد بحث قرار گرفت و مخالفان و موافقانی داشت. احمد خرم« کار اتاق فکر را کادر سازی، تقویت حزب و تقویت کمیسیون‌های احزاب می‌داند. به‌اعتقاد او، اتاق فکر یک برنامه درازمدت دارد که پرداختن به امور سیاسی و فرهنگی است. یعنی ساختار سیاسی و اصلاح ساختار سیاسی، یک امر درازمدت است. اتاق فکر برای برنامه‌های درازمدت و میان مدت

خط و خطوط تعیین می‌کند» مخالفان تشکیل اتاق فکر معتقدند زمانی‌که احزاب کارکرد واقعی خود را در کشور نازند و در جبهه اصلاحات تعریف دقیقی از وزن احزاب و جایگاه آنها وجود ندارد، اتاق فکر نمی‌تواند کارکرد واقعی خود را داشته باشد و در عمل مورد توجه اجرا کنندگان قرار نمی‌گیرد. در همین رابطه محمدرضا خاتمی به «جامعه‌فردا» گفت که «مسئله اصلی اصلاح‌طلبان سازماندهی و ایجاد تشکیلات منسجم است؛اما امکان این که یک اتاق فکر برای همه جریان اصلاحات داشته باشیم، نیست. این مسئله را به‌نوعی شورای سیاستگذاری اصلاح‌طلب و جاییگاه آنها، تشکیل اتاق فکر را محدود

نمودن تعریف درست از احزاب و تشکل‌های اصلاح‌طلب و جایگاه آنها، تشکیل اتاق فکر را محدود به شورای سیاستگذاری اصلاح‌طلبان می‌کند و حجاریان در شرایط ائتلافی این ایده را قابل‌پیکبری می‌داند. در همین رابطه ژاله فرامرزیان، عضو شورای عالی سیاستگذاری اصلاح‌طلبان، در شهرپور ماه خبر داد که قرار است هیأت‌رئیس‌ه شورای عالی، هیأت‌رئیس فراکسیون امید و هیأت‌رئیس‌های کاندیداهای سیاستگذاری اصلاح‌طلبان، در برنامه‌های مشترک خود با هم در بخش‌های مختلف این مرکز فعال شوند.

در ساختار اولیه در زمان دولت‌هاشمی‌رفسنجانی رئیس‌این مرکز؛ موسوی‌خوئینی‌ها و معاون سیاسی او سعید حجاریان بود. حجاریان در حالی که دولت‌هاشمی‌رفسنجانی در حرکت‌های ایجاد می‌شود. باهنر همچنین در خصوص بحث‌های اخیر نمایندگان مجلس درباره نظام پارلمانی و لزوم ایجاد چنین نظامی، گفت: تکلیف نظام ریاستی و پارلمانی را قانون اساسی مشخص می‌کند. قانون اساسی، به‌عنوان منطقی‌ای ملی است که همه به آن متعهدند و تجدیدنظر در آن فرآیندی دارد که در اصل ۱۷۷ در روشنی و شفاف بیان شده‌است.

اگر دوستیابی بیابند و بحث‌هایی کنند، اینها می‌توانند نظرات کارشناسی دهند؛ اما هیچ‌کدام از آنان تصمیم‌گیر نیستند، حتی مجلس، دولت و سران قوا هم در این مورد تصمیم‌گیرنده نیستند. او در عین حال افزود که اگر فکر باشد مجلس دیگری شکل بگیرد و بدون پشتوانه‌های فکری و ذهنی عمل کند، آنگاه یزگرا‌های دبیرکل جبهه پیروان خط امام و رهبری در باره بحث تشکیل مجلس دوم در کشور که از سوی برخی صاحب‌نظران مطرح شده است، توضیح داد: من هم موافق این هستم و معتقدم باید در کشور دو مجلس داشته باشیم، مجلسی که اکنون وجود دارد برخاسته از آرای مردم در مناطق مختلف است، اصولاً نمایندگان در این مجلس نمی‌توانند خیلی برای منافع ملی وقت بگذارند، بیشتر به دنبال حل مسائل منطقه‌ای، صنفی، جریانی و… هستند، به همین دلیل بخش زیادی از سیاست‌های راهبردی ملی زمین می‌ماند.

به‌گزارش سایت خبری انتخاب محمدرضا باهنر ادامه داد: مثلاً در بحث اقتصاد مقاومتی اگر بخواهیم

نمایندگان منتخب اصلاح‌طلب به حرکت در چارچوب خواسته‌های اصلاح‌طلبانه و استفاده از خرد جمعی نهادهی اصلاح‌طلبان تردیدی نیست. در بین چهره‌های سیاسی نیز مسئله «اتاق فکر» مورد بحث قرار گرفت و مخالفان و موافقانی داشت. احمد خرم« کار اتاق فکر را کادر سازی، تقویت حزب و تقویت کمیسیون‌های احزاب می‌داند. به‌اعتقاد او، اتاق فکر یک برنامه درازمدت دارد که پرداختن به امور سیاسی و فرهنگی است. یعنی ساختار سیاسی و اصلاح ساختار سیاسی، یک امر درازمدت است. اتاق فکر برای برنامه‌های درازمدت و میان مدت

خط و خطوط تعیین می‌کند» مخالفان تشکیل اتاق فکر معتقدند زمانی‌که احزاب کارکرد واقعی خود را در کشور نازند و در جبهه اصلاحات تعریف دقیقی از وزن احزاب و جایگاه آنها وجود ندارد، اتاق فکر نمی‌تواند کارکرد واقعی خود را داشته باشد و در عمل مورد توجه اجرا کنندگان قرار نمی‌گیرد. در همین رابطه محمدرضا خاتمی به «جامعه‌فردا» گفت که «مسئله اصلی اصلاح‌طلبان سازماندهی و ایجاد تشکیلات منسجم است؛اما امکان این که یک اتاق فکر برای همه جریان اصلاحات داشته باشیم، نیست. این مسئله را به‌نوعی شورای سیاستگذاری اصلاح‌طلبان و جاییگاه آنها، تشکیل اتاق فکر را محدود

نمودن تعریف درست از احزاب و تشکل‌های اصلاح‌طلب و جایگاه آنها، تشکیل اتاق فکر را محدود به شورای سیاستگذاری اصلاح‌طلبان می‌کند و حجاریان در شرایط ائتلافی این ایده را قابل‌پیکبری می‌داند. در همین رابطه ژاله فرامرزیان، عضو شورای عالی سیاستگذاری اصلاح‌طلبان، در شهرپور ماه خبر داد که قرار است هیأت‌رئیس‌ه شورای عالی، هیأت‌رئیس فراکسیون امید و هیأت‌رئیس‌های کاندیداهای سیاستگذاری اصلاح‌طلبان، در برنامه‌های مشترک خود با هم در بخش‌های مختلف این مرکز فعال شوند.

ایفاکنند. فرامرزیان درباره اعضای این اتاق فکر، بیان کرد: اعضای این اتاق فکر شامل هیأت‌رئیس‌ه‌های کلاشپهر، رؤسای شوراهای نماینده آنان، آقای موسوی‌لاری، یک نفر از کارگروه استان‌ها یعنی آقای مرعشی یا آقای مبلغ، رئیس فراکسیون امید و یک نفر از اعضای هیأت‌رئیس‌ه آن هستند. مشخص نیست که این طرح عملی‌اش احساس ضرورت برای آن به چه دلایلی هنوز اجرایی نشده است.

##### تجربه موفق اتاق فکر برای جبهه اصلاحات

جریان اصلاح‌طلب به‌نوعی خود برآمده از این اتاق‌های فکر شناخته می‌شود؛ اتاق‌های فکری که در خدمت دولت‌ها قرار گرفت و کارکرد خود را اثبات کرد. مرکز بررسی‌های استراتژیک یکی از نهادهای زیرمجموعه نهاد ریاست‌جمهوری است که به ارائه راهبرد به رئیس‌جمهور در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی می‌پردازد. ایده تشکیل مرکزی برای «تحقیقات استراتژیک ریاست‌جمهوری ایران»، نهادهی که به‌مثابه یک اتاق فکر عمل می‌کرد، در اواخر دولت‌هاشمی‌رفسنجانی و در سال‌های ۶۶ و ۶۷ مطرح شد. ساختار این مرکز که زیر نظر رئیس‌جمهور اداره می‌شد به ترتیب از رئیس مرکز و معاونین آن تشکیل شده بود و به‌طور کلی وظیفه ارائه راهبرد به رئیس‌جمهور در برخی زمینه‌های مورد پژوهش در معاونت‌ها نظیر سیاست اقتصاد و تکنولوژی را بر عهده داشت. زمانی که در دولت مرحوم آیت‌الله هاشمی فشار بر جریان چپ شدت گرفت، سید محمد خاتمی از وزارت چپ شدت و عباس عبدی به مرکز تحقیقات استراتژیک رفتند و در بخش‌های مختلف این مرکز فعال شدند.

در ساختار اولیه در زمان دولت‌هاشمی‌رفسنجانی رئیس‌این مرکز؛ موسوی‌خوئینی‌ها و معاون سیاسی او سعید حجاریان بود. حجاریان در حالی که دولت‌هاشمی‌رفسنجانی در حرکت‌های ایجاد می‌شود. باهنر همچنین در خصوص بحث‌های اخیر نمایندگان مجلس درباره نظام پارلمانی و لزوم ایجاد چنین نظامی، گفت: تکلیف نظام ریاستی و پارلمانی را قانون اساسی مشخص می‌کند. قانون اساسی، به‌عنوان منطقی‌ای ملی است که همه به آن متعهدند و تجدیدنظر در آن فرآیندی دارد که در اصل ۱۷۷ در روشنی و شفاف بیان شده‌است.

اگر دوستیابی بیابند و بحث‌هایی کنند، اینها می‌توانند نظرات کارشناسی دهند؛ اما هیچ‌کدام از آنان تصمیم‌گیر نیستند، حتی مجلس، دولت و سران قوا هم در این مورد تصمیم‌گیرنده نیستند. او در عین حال افزود که اگر فکر باشد مجلس دیگری شکل بگیرد و بدون پشتوانه‌های فکری و ذهنی عمل کند، آنگاه یزگرا‌های

نقل خاطرات خود از آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی در خصوص شکل‌گیری این نهاد گفته است: «با توجه به گفت‌وگوی قبل، به ایشان (مرحوم هاشمی‌رفسنجانی) گفتم که «شورای عالی امنیت ملی» نیازمند یک اتاق فکر یا به قول فرنگی‌ها think tank است؛ از این جهت کلیاتی برای ایشان توضیح دادم که در نهایت «مرکز تحقیقات استراتژیک» تشکیل شد که من در زمان ریاست‌جمهوری ایشان با هر دو مرکز همکاری می‌کردم.»

روای کار آمدن دولت اصلاحات، ساختار اصلی مرکز تحقیقات استراتژیک به مجمع تشخیص مصلحت نظام، انتقال یافت و حسن روحانی ریاست آن را بر عهده گرفت. نام مرکز جدید «مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام» شد؛ اما مرکز دیگری با حفظ اهداف همان نهاد( ارائه راهبرد به دولت) در ساختار دولت تأسیس شد.

نام «مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری» در دولت خاتمی برای این نهاد انتخاب شد. در اسانامه جدید، تغییراتی در ساختار مرکز صورت گرفت و محمدرضا حاجیک به‌عنوان اولین رئیس این مرکز انتخاب شد. البته از آنجا که اسانامه تا اواخر دولت خاتمی تصویب نشد، مرکز اختیارات چندانی نداشت و نقش آن عمدتاً علمی بود تا سیاسی، اما به‌هر حال کارهای مهمی از نظر تدوین راهبرد انجام شد. بسیاری از تحلیلگران معتقدند نقش این اتاق فکرهای رسمی در دولت‌هاشمی در سر کار آوردن دولت اصلاحات بسیار پررنگ‌تر از دوران بعد آن بود. اصلاح‌طلبان با کنار رفتن از قدرت، استفاده از این‌اسانامات و مراکز فکری و اطلاعاتی را نیز از دست دادند. در حالی که جریان اصولگرا به‌واسطه حضور در قدرت همچنان امکان بهره‌برداری از این نهاده‌ها و سایر مراکز اطلاعاتی را برای پیشبرد اهداف جریان خود به‌واسطه اتاق‌های فکر در اختیار داشته است. همین وضعیت در خصوص مجلس و مرکز پژوهش‌های آن حاکم است. به‌غیراز مجلس ششم

در همه سال‌ها، ریاست این مرکز با جریان اصولگرا بوده و خوراک فکری مناسبی برای فراکسیون اقلیت اصلاح‌طلب پارلمان نداشته است. تجربه تشکیل دولت دوم خرداد بر اساس مطالعات استراتژیک، تجربی‌ای موفق برای اصلاح‌طلبان بوده؛ اما در شرایط کنونی، با تغییرات گسترده و تحولات اساسی در نظام سیاسی و حزبی کشور، از یک‌سو و اعمال محدودیت برای چهره‌های شاخص جریان اصلاحات و تغییر مناسبات اصلاح‌طلبان با نهادهای مدولتی و حکومتی، بعید به‌نظر می‌رسد تکرار آن تجربه به آن شکل و به‌صورت محدود و بسته، آن هم با استفاده از امکانات رسمی وجود داشته باشد؛ امکانی که اتفاقاً با احتی در اختیار رقبای این جریان قرار دارد. از طرفی، تشکیل اتاق فکر به شکل محدود و غیر شفاف با تکیه بر افراد خاص و محدود، آن را به شدت در قبال فضای رسانه‌ای و همچنین رفتارهای غیرمدرکاتیک رقیب اصلاح‌طلب پذیر می‌کند. تجربه‌ای که در خصوص شورای سیاستگذاری اصلاح‌طلبان در زمان انتخابات مجلس و شوراهای پژوهنی خود را نشان داد. بنابراین به نظر می‌رسد که تنها راه تشکیل پایدار اتاق فکر این جریان، تکیه بر فشار کارهای تشکیلاتی منبعت از احزاب شناسنامه‌دار در قالب یک جبهه واحد می‌باشد. شاید ایده بر زمین مانده پارلمان اصلاحات، بتواند راهگشای آینده این جریان اصیل سیاسی اجتماعی باشد. اصلاح‌طلبان ناگزیر هستند، تشکیل «اتاق فکر» برای این جریان را نه‌تنها برای تأثیرگذاری و جهت‌دهی به نمایندگان خود در پارلمان و یا حتی تعریف مناسبات اصلاح‌طلبانه خود با دولت روحانی، بلکه در فقدان یک استراتژی بلندمدت برای آینده جبهه اصلاحات در آینده جدی گرفته و تنها به تشکیل آن در آستانه هاد انتخاباتی بسنده نکنند. به‌نظر می‌رسد جای خالی اتاق فکر اصلاح‌طلبان به‌خوبی مشخص است و صرفاً برای تشکیل آن باید به سازو کار عملی اندیشید.

غیرمدرکاتیک رقیب اصلاح‌طلب پذیر می‌کند. تجربه‌ای که در خصوص شورای سیاستگذاری اصلاح‌طلبان در زمان انتخابات مجلس و شوراهای پژوهنی خود را نشان داد. بنابراین به نظر می‌رسد که تنها راه تشکیل پایدار اتاق فکر این جریان، تکیه بر فشار کارهای تشکیلاتی منبعت از احزاب شناسنامه‌دار در قالب یک جبهه واحد می‌باشد. شاید ایده بر زمین مانده پارلمان اصلاحات، بتواند راهگشای آینده این جریان اصیل سیاسی اجتماعی باشد. اصلاح‌طلبان ناگزیر هستند، تشکیل «اتاق فکر» برای این جریان را نه‌تنها برای تأثیرگذاری و جهت‌دهی به نمایندگان خود در پارلمان و یا حتی تعریف مناسبات اصلاح‌طلبانه خود با دولت روحانی، بلکه در فقدان یک استراتژی بلندمدت برای آینده جبهه اصلاحات در آینده جدی گرفته و تنها به تشکیل آن در آستانه هاد انتخاباتی بسنده نکنند. به‌نظر می‌رسد جای خالی اتاق فکر اصلاح‌طلبان به‌خوبی مشخص است و صرفاً برای تشکیل آن باید به سازو کار عملی اندیشید.



اگر قرار باشد تصمیمی گرفته شود باید فرآیند اصل ۱۷۷ قانون اساسی طی شود. او ادامه داد: مقام معظم رهبری چند سال پیش در سفر به کرمانشاه در بیانات‌شان اشاره‌ای به این مقوله داشتند؛ البته بحث این بود که قانون اساسی قابل غیرقابل تغییر دارد و یک سری اصول هم قابل تجدیدنظر است. ایشان مثالی زدند و فرمودند کشور ماریاستی است و یک زمانی می‌تواند پارلمانی شود. بعضی هاتلقی کردند که رهبری گرایششان به‌سمت نظام پارلمانی است که ایشان بعداً توضیح دادند و تبیین فرمودند و گفتند که من به‌عنوان مثال عرض کردم؛ اینکه رهبری موافق یا مخالف این موضوع باشند، هنوز اظهار نظر نکرده‌اند.

یکشنبه ۱۷ آبان ۱۳۹۶

## سیاست فردا

## مجله فردا

۰ | ۳ | ۰

##### خبر

مصباحی مقدم:

### روحانی به اصولگرایان بازگشته است

غلامرضا مصباحی مقدم، با اشاره به دیدار جامعه روحانیت با رئیس‌جمهور، استقبال او از ادامه این دیدارها را نوعی دعوت از سوی روحانی قلمداد می‌کند و در برابر اینکه این استقبال به منزله بازگشت روحانی به‌سوی اصولگرایان به‌ویژه جامعه روحانیت است، معتقد است که هیچ‌گاه روحانی از آنها قهر و عدول نکرده است و ضمن تأیید مواضع روحانی بعد از انتخابات می‌گوید که مواضع به رهبری نزدیک‌تر شده است. سخنگوی جامعه روحانیت مبارز در پاسخ به این سؤال که برای دیدار با آقای روحانی چقدر منتظر ماندید تا درخواست شما میسر شود، توضیح داد: چندان طول نکشید؛ در حاشیه جلسه دیدار با مقام معظم رهبری، از طرف مجمع تشخیص مصلحت به آقای روحانی اشاره کردم که دوستان مایل به دیدار با شما هستند که ایشان هم گفتندمانعی ندارم و من این موضوع را زنی دانستم و مقدمات آن را فراهم می‌کنم. او با بیان اینکه روحانی هیچ‌گاه با جامعه روحانیت قهر نکرده، ادامه داد: عدم شرکت روحانی در جلسات ما به معنای عدم انگیزه برای نیامدن نبود.

مصباحی مقدم، در خصوص حمایت جامعه روحانیت مبارز از ابراهیم رئیسی در انتخابات ریاست‌جمهوری، افزود: آقای رئیسی جزو شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز است و در زمان انتخابات وقتی که آقای رئیسی در یکی از جلسه‌های جامعه روحانیت مبارز شرکت و کاندیداتوری خود را اعلام کرد، دوستان هم استقبال کرده و به اتفاق آراء به ایشان رأی دادند و بیانیه حمایت از رئیسی صادر شد و موضع بنده هم حمایت از ایشان بود.

سخننگوی جامعه روحانیت در ادامه تأکید کرد: رفتاری که آقای روحانی بعد از انتخابات از خود بروز داد حاکی از آن است که مواضع به‌مواضع رهبری بسیار نزدیک شده و اصولگرایان هم همین‌را می‌خواهند.

وی با بیان اینکه معتمد هم رئیس‌جمهور باید از ظرفیت متغذبان و مدیران کشور و هر کس که شایسته است، استفاده کند و نگاهش به همکاران جناحی نباشد، گفت: از این جهت انتقادی به روحانی نداریم و آنچه که مورد انتقاد بود مواضع در مسائل داخلی و بین‌المللی است که گاهی فاصله می‌گرفت، یا حداقل گاهی برداشت‌هایمان بود که حضرت آقا ملاحظه را می‌گویند و ایشان دیدگاه متفاوتی را اظهار می‌کند، با به‌عبارت دیگر بازگشت پیدا می‌کرد و در این شرایط این گونه مواضع رئیس‌جمهور را قبول نداریم.

مصباحی مقدم ادامه داد: البته تصور نمی‌کنم رفتار و مواضع آقای روحانی واکنشی نسبت به جریان اصولگرا باشد. لذا همیشه در اظهارات پیشگام بود و حرفی را مطرح می‌کرد و دیگران و احیاناً برخی از اصولگرایان به آن واکنش نشان می‌دادند و این گونه نبود که ایشان نگاه کند، ببینند دیگران چه می‌کنند و چه موضعی می‌گیرند و متناسب با او به چپ یا به راست گرایش پیدا کند.

او در ادامه در خصوص دیدار دیگر گروه‌های حامی روحانی مانند مجمع روحانیون مبارز با رئیس‌جمهور، گفت: ما خیلی ندانیم که بخوانند چنین دیداری داشته‌باشند. مصباحی مقدم در خصوص حضور ناطق نوری در جلسات جامعه روحانیت، گفت: به‌صورت مکرر دیدارهای دوستانه و با به‌طور رسمی و خصوصی برای حضور ایشان بر گزار شده‌است. شش‌صا به دفتر ناطق نوری و در مدرسه‌ای که در شمیرانات دار ند، رفته‌ام و با او درباره حضورش در جامعه روحانیت تقاضا و صحبت کرده‌ام و دوستان دیگری هم با ایشان صحبت کرده‌اند. حتی گاهی در اینباره در حاشیه نشست‌های مجمع تشخیص مصلحت با او

گفت‌و گو شده‌است و آیت‌الله موحدی کرمانی با آقای ناطق نوری صحبت کرده‌اند اما برای آمدن اظهار علاقه نمی‌کنند و دلیل آن اظهار نکردند. به‌تعبیری مبنای نیامدن آقای ناطق نوری عدم زایش از مناظره انتخاباتی سال ۸۸ بود که آقای احمدی‌نژاد داشت و اینکه جامعه روحانیت مبارز در حمایت از ایشان موضع‌گیری نکرد.

او همچنین محوریت جمنا بین اصولگرایان را رد می‌کند و تأکید دارد، انتخاب رئیسی به‌عنوان گزینه اصولگرایان در انتخابات مبتنی بر نظر جامعه روحانیت مبارز بود و همچنان حرف آخر در میان اصولگرایان را جامعه روحانیت می‌زند.

##### گزارش

عکس: نازگل جهانی

##### دیدگاه

عکس: مسعود ساقی مهر